

دانشکده علوم و معارف قرآن کریم
پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن
نگارنده: رضا ترابیان

نقد و بررسی نظریه سمبلیک بودن زبان قرآن

چکیده:

این نکته که خداوند با زبان نمادین با بشر سخن گفته، شایسته تامل و تفکر و تعمق است. زیرا قائل شدن به این نظریه نگاه تفسیری به قرآن را دگرگون خواهد کرد. بنابراین در این نوشتار سعی شده است از دیدگاه‌های مختلف، نظریه سمبلیک بودن زبان قرآن مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. برای رسیدن به این منظور بخش‌ها و فصول ذیل تدوین شده است:

فصل اول، با عنوان کلیات، شامل تعریف مفهوم زبان قرآن، تعریف اصطلاحات و پیشینه بحث در میان غربی‌ها و مسلمانان است، که مدخلی برای ورود به مباحث سایر فصول می‌باشد. زیرا در این فصل نگارنده بر آن است تا بیان مسئله و اهداف تحقیق و تعریف جامعی از زبان سمبلیک برای خوانندگان محترم ارائه دهد و همچنین در آخر

فرق اساسي مجاز و تمثيل را که دو واژه نزديک به معنای نماد می‌باشند، بیان کند.

در فصل دوم تحت عنوان اصول و مبانی زبان سمبلیک، نگارنده به جمع‌آوری کلیه ویژگی‌های و اصول و مبانی زبان سمبلیک پرداخته است زیرا از آنجا که بررسی دقیق این نظریه منوط به شناسایی اصول و مبانی اولیه‌ی است که سنگ زیر بنای ورود به بحث محسوب می‌شود، سعی شده به تفصیل به هر یک از این ویژگی‌ها بپردازد.

در بخش سوم به عنوان دلائل قائلین و عدم قائلین به وجود زبان سمبلیک در قرآن با هدف فهم دقیق آرا و نظرات دو گروه مخالف یعنی کسانی که قائل به وجود زبان سمبلیک در قرآن هستند با کسانی که قائل به وجود این زبان در قرآن نیستند، پرداخته شده و سعی شده که با انصاف و به دور از هرگونه تعصب به تفصیل نظریات دو طرف آورده شود، تا خواننده بتواند خود با بررسی نظرات دو طرف داوری منصفانه‌ای داشته باشد.

در بخش چهارم به عنوان نقد و بررسی نمونه‌های قرآنی به بررسی آیاتی چند از قرآن که از دیدگاه برخی از مفسرین به صورت سمبلیک تفسیر شده پرداخته شده تا به صورت عینی دلائل این گروه مورد بررسی قرار گیرد. آیاتی که در این فصل مطرح شده عبارتند از: آیه خلقت انسان، عالم ذر، امانت، خطابه آسمان و زمین، سخن گفتن سلیمان با مورچه‌ها و آیاتی که در مورد اعجاز پیامبران می‌باشد.

ملخص المقال:

القول بأن «الكلام الالهي في مخاطبة البشر كلام ذو صبغة رمزية» مما ينبغى فيه التأمل و التدقيق؛ لان الذهاب الى هذه النظرية يؤدي الى تغيير الرؤية حول التفسير للنص القرآني.

فلذلك بذلنا الجهد في عملنا هذا على دراسة «الرمز في لغة القرآن» حسب مختلف الآراء، و نظمنا البحث في فصول:

الفصل الأول: يشتمل على مباحث عامة كتحديد نتاج لغة القرآن، تعريف المصطلحات و خلفية البحث في عمل المستشرق و المسلمين كمستهل لفتح سائر الفصول، حيث اننا في هذا الفصل بصدد تقديم المشكلة و مقاصد الدراسة هذه و تعريف مصطلح «الرمز» تعريفاً شاملاً،

كما سنبين أخيراً معنى مفردتى «المجاز» و «المتثيل» اللتين تاملان معنى قريباً من «الرمز».

و فى الفصل الثانى نقوم بطرح «لغة الرمز» خصوصية و أصولاً و مبدأ، و حيث إن الدراسة الدقيقة لهذه النظرية معلّقة على معرفة الأصول و المبادئ التى تعدّ كمينى تحتى للدخول فى أصل البحث، نمارس تفصيل كل واحد من الأصول و المبادئ.

أما طرح أدلة القائلين بوجود «الرمز» فى لغة القرآن و الرافضين لهذا الرأى، هو المبحث الذى اشتغلنا به فى الفصل الثالث، ناوين فهماً دقيقاً لآراء كل فرقة و سبب ذهابهم الى رأى ما، و نهجنا منهج المحايدة و رفض العصبية فى طرح الآراء حتى يتمكن القارئ على حكم عادل بينها بعد دراستها.

و فى الفصل الرابع الذى يحمل عنوان «النقد و المناقشة» أتينا بنماذج من آيات الكتاب الكريم التى عامل المفسرون معها معاملة «الرمز» و نقلنا أدلة هذه الفرقة. و من تلك الآيات آيات خلق الانسان، عالم الذر، الامانة، مخاطبة السماء و الارض، مكالمة سليمان النبى عليه السلام و النملة، و آيات فى معجز الأنبياء عليهم السلام.

مقدمه.....

.....

..... ١.....

فصل اول: طرح مسأله و مفاهيم

نظري.....

..... ٣.....

بين

مسأله.....

.....

..... ٤.....

يش

علمي.....

.....

..... ٤.....

پرسش

تحقيق.....

.....

..... ٤.....

فرضيه ها

.....

..... ٤.....

هـ _____
ضرورت.....
.....

۵.....
فوای علم ی و ک کاربرد
تحقیق.....
.....

۵
ک کارکرد زبان
قرآن.....
.....
۵.....

۱- لغت و
لهجه.....
.....
۵.....

۲- زبان به معنای سبک و طرز
سخن.....
.....
۶.....

۳- نظام بندی سخن متناسب با جهان بینی
گوینده.....
.....
۸.....

۴- شیوه سخن
گفتن.....
.....
۸.....

معنای سمبلیک
.....
.....
۹.....

۱- معنای
لغوی.....
.....
۹.....

۲- معنای
اصطلاحی.....
.....
۱۰.....

تفاوت شمایل (icon) ، نمایه (index) و نماد
(symbol).....
.....
۱۲.....

تمایز سمبلیک و
دروغ.....

.....
..... ۱۳.....

..... تمثیل.....

..... ۱۳.....

..... ۱- معنای لغوی.....

..... مثل.....

..... ۱۴.....

..... ۲- معنای اصطلاحی.....

..... تمثیل.....

..... ۱۵.....

..... ۲-۱- معنای.....

..... عام.....

..... ۱۵.....

..... ۲-۲- معنای.....

..... خاص.....

..... ۱۶.....

..... ۲-۳- داس.....

..... تمثیلی.....

..... ۱۷.....

..... اخ.....

..... تلافی.....

..... ۱۸.....

..... ۱- تمثیل «خود تفسیر».....

..... است.....

..... ۱۸.....

..... ۲- تمثیل نتیجه تعقل برای آفرینش یک حادثه.....

..... است.....

..... ۱۸.....

..... ۳- تحویل ناپذیری.....

..... نمادها.....

..... ۱۹.....

..... مجاز در.....

..... قرآن.....

..... ۱۹.....

..... تعریف.....

..... مجاز.....

-
 ۱۹.....
 تفاوت حقیقت و مجاز ادبی، با حقیقت و مجاز
 فلسفی.....
 ۱۹.....
 نماد منشاد.....
 تضاد.....
 ۲۰.....
 مجاز و استعاره دروغ یا حقیقت ادعای؟
 ۲۱.....
 رد پای سمبلیک.....
 ۲۲.....
 فصل دوم: مبنای و اصول زبان
 سمبلیک.....
 ۲۶.....
 ۱- گریز از واقعیت.....
 ۲۷.....
 ۲- اشاره به مـاورای خویش.....
 ۲۸.....
 ۳- نماد امری قرار دادی نیست.....
 ۲۹.....
 ۴- احساسات.....
 ۳۰.....
 ۵- حکایت از زبان ذی العقول.....
 ۳۰.....
 ۶- چند معنایایی بودن.....
 ۳۱.....
 ۷- مشارکت در واقعیت امور.....

- ۳۱
- ۸- قابل فهم نبودن نماد برای همه مردم..... ۳۲
- ۹- استفاده ویژه از زبان..... ۳۲
- الف- ارزش کلمه..... ۳۲
- ب- موسیقی..... ۳۳
- ج- در هم ریختن قواعد جاری زبان..... ۳۳
- ۱۰- رابطه ویژه نویسنده با نوشته نمادین..... ۳۴
- ۱۱- بدبینی..... ۳۵
- ۱۲- نداشتم قرینه صریح..... ۳۵
- ۱۳- فهم زبان سمبلیک نسبت به درک و احساس خواننده..... ۳۶
- ۱۴- زبان سمبلیسم نزدیک به واقعیت ذهنی..... ۳۶
- ۱۵- پی بردن به اعماق وجودی انسان..... ۳۷
- ۱۶- نماد و پیوندش با فرهنگ‌های مختلف..... ۳۷

۱۷- فهم زبان نمدادین در بسـتر	متن.....
	۳۸.....
جم
بندی.....
	۳۹.....
فصل سوم : دلائل قائلین و عدم قائلین به وجود زبان	سمبلیک در قرآن.....
	۴۰.....
دلائل قائلین به وجود زبان سمبلیک در	قرآن.....
	۴۱.....
۱- تعارض علم بسـا	دین.....

	۴۱.....
۱-۱- تعارض در کیهان	شناسی.....
	۴۱.....
۱-۲- تفسیر مکـانیکـی از	جهان.....
	۴۲.....
۱-۳- زیست شناسی	جدید.....
	۴۲.....
۲- دو گانگی در مفهوم محمول	ها.....
	۴۵.....
۳- تئوری تحقیق پذیر	معنا.....
	۴۶.....
۴- تفهیم مطالب	غامض.....

	۴۷.....
۵- رایج بودن زبان سمبلیک در تمام زبان ها	وادیان.....
	۴۸.....
۶- ناتوانی عقل در درک ماوراء	طبیعت.....
	۴۹.....
۷- عدم شعور	جامدات.....

.....
..... ۵۰.....
..... ۸- تاثیر بیش تر زبان
..... سمبلیک.....
..... ۵۲.....
..... ۹- تاثیر زبان سمبلیک در جاودانگی
..... دین.....
..... ۵۳.....
..... ۱۰- سبک بیان داستان های
..... قرآن.....
..... ۵۵.....
..... دلایل قائلین به عدم وجود زبان سمبلیک در
..... قرآن.....
..... ۵۷.....
..... ۱- مخالف بودن زبان سمبلیک با بعضی از
..... آیات.....
..... ۵۷.....
..... ۱-۱- آیات
..... تحدی.....
.....
..... ۵۷.....
..... ۱-۲- آیاتی که در مورد قصص قرآن ذکر شده
..... است.....
..... ۵۸.....
..... ۱-۳- آیاتی که زبان قرآن را برای همه فهم پذیر
..... می داند.....
..... ۵۹.....
..... ۲- مخالف بودن زبان سمبلیک با بعضی از
..... روایات.....
..... ۶۰.....
..... ۳- اوصاف عام
..... قرآن.....
.....
..... ۶۱.....
..... ۳-۱- صدق بودن
..... قرآن.....
..... ۶۱.....
..... ۳-۲- حقیق بودن
..... قرآن.....
.....
..... ۶۱.....
..... ۴- ویژگی های دعوت
..... انبیاء.....
.....
..... ۶۲.....

- ۵- متاثر بودن صاحبان این آراء از برداشت های اندیشمندان غرب..... ۶۲
- ۶- عدم درک صحیح بعضی از مفسران نسبت به بعضی از آیات..... ۶۳
- ۷- تصریح به شعور به تمام هستی..... ۶۴
- ۸- قرآن کتاب هدایت نه سرگرمی..... ۶۷
- ۹- نقش هدایتی قصص قرآن..... ۶۸
- ۱۰- تکرار قصص قرآن بیان ابعاد و اوصاف گوناگون يك پدیده..... ۶۹
- ۱۱- ترجمه قرآن در نهایت امانت داری..... ۷۰
- ۱۲- عدم تاثیر گذاری داستان های قرآن بر اساس تفسیرهای نمادین..... ۷۱
- ۱۳- جابجایی..... ۷۱
- ۱۴- ارتباط قوی اسلام با علم تجربی..... ۷۱
- ۱۵- پیروی زبانی قرآن از زبان عقلا..... ۷۲
- ۱۶- ظهور و بطون قرآن..... ۷۳
- ۱۷- قابل شناخت بودن ارکان اساسی الهیات برای انسان..... ۷۴
- خلاصه بحث..... ۷۶
- فصل چهارم: نقد و بررسی نمونه های قرآنی..... ۷۸

۱- آیـــه مخاطبـــه آســـمان و زمین.....	۷۹.....
۱-۱- نمادین دانستن آیه مخاطبه آسمان و زمین از دیدگاه مفسران.....	۸۰.....
۱-۲- حقیقی دانستن آیه مخاطبه آسمان و زمین از دیدگاه مفسران.....	۸۱.....
۱-۳- جمیع بنده	آیه.....
	۸۴.....
۲- آیـــه عرضـــه امانـــت الهی.....	۸۶.....
۱-۲- نمادین دانستن تفسیر آیه امانت.....	۸۶.....
۲-۲- توجیه مفسرین برای بیان غیر نمادین دانستن آیه.....	۸۷.....
۲-۳- بیان زبان حقیقی از آیه امانت.....	۸۸.....
۲-۴- جمیع بنده	بنده.....
	۹۰.....
۳- داستان آفرینش آدم.....	۹۱.....
۱-۳- دیدگاه نمادین دانستن داستان آفرینش آدم.....	۹۳.....
۲-۳- بررسی دیدگاه علامه درباره آفرینش آدم.....	۹۵.....
۳-۳- دیدگاه حقیقی دانستن داستان آفرینش آدم.....	۹۷.....
۳-۴- جمیع بنده	بنده.....
	۹۷.....

ذ(ر) آیـــــــــــــــــه الســـــــــــــــــت(ع)ـــــــــــــــــالم	۹۷
هستند ۱-۴-مفسرانی که قائل به نمایندن بودن آیه	۹۸
هستند ۲-۴- مفسرانی که قائل به حقیقی بودن آیه	۹۹
است ۱-۲-۴-پیمان تنها مربوط به کافران	۹۹
روح ۲-۲-۴- پیمان در جهانی مرکب از جسم و	۱۰۰
وحي ۳-۲-۴- پیمان به زبان عقل و	۱۰۳
ملکوت ۴-۲-۴- پیمان در عالم	۱۰۴
بندي ۳-۴-جم	۱۱۰
سلیمان(ع) ۵- آیه سخن مورچه و فهم	۱۱۱
آیه ۱-۵- قول به سمبلیك بودن	۱۱۱
آیه ۲-۵- حقیقی بی بودن بیان	۱۱۲
بندي ۳-۵- جم	۱۱۳
هندي ۶- معجزات پیامبران و نظرات سید احمد خان	۱۱۴

۱-۶- معجزه حضرت موسی (ع)	۱۱۴
۶-۲- نزول مائده برای حضرت مریم (ع)	۱۱۵
۶-۳- تکلم عیسی در مهد	۱۱۶
۷- رجیم شیطان به وسیله شهاب سنگ	۱۱۷
۷-۱- معنی ظاهری	۱۱۸
۷-۲- تمثیل معقول به محسوس	۱۱۸
۷-۳- روشن نبودن تفسیر آیه	۱۱۹
۷-۴- رد واقعیه ای اسطوره ای	۱۲۰
۷-۵- جمع بندی بحث منابع	۱۲۱
	۱۲۳

مقدمه:

قرآن کتابی است که خدا فرمود: وَ نُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ (اسراء/۸۲) کتاب رحمت و شفا برای تمام مومنین؛ کتابی که به استوارترین راه ها هدایت می کند: إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (حشر/۲۱)؛ کتابی که اگر بر کوه ها نازل می شد از خشیت خداوند متزلزل می شدند: لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ

عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ (اسراء/ ۸۸)؛ قرآنی که اگر تمام جن و انس جمع شوند مثل آن را نمی‌توانند جمع کنند: قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ؛ و قرآنی که برای تمام جهانیان نازل شده: أَوْحِيَ إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ (انعام/ ۱۹) تا از روشنایی معارفش، جهان منور شود و همه مردم در پرتوی این نور به مقصد الهی رهسپار شوند.

آن چه که درباره قرآن سخن رفته است، بسیار گسترده است و هر گوشه آن معرفت و علم خاصی را می‌طلبد که قلم‌ها از پرداختن به تمام آن شکسته می‌شود. یکی از این مباحث، بحث درباره علوم قرآنی می‌باشد که مقدمه‌ای برای ورود به تفسیر صحیح قرآن می‌باشد.

راه صحیح فهم و تفسیر قرآن، شناخت دقیق زبان وحی یا به عبارتی زبان قرآن می‌باشد. کارکرد زبان وحی را می‌توان به دو گروه عمده شناختی/ اخباری و غیر شناختی/ غیر اخباری تقسیم کرد. بر اساس نظریات شناختاری، زبان وحی، احکام و تصدیقاتی ناظر به واقع هستند. در مقابل، نظریات غیر شناختاری، منکر واقع‌نمایی زبان وحی می‌باشند.

تلقی نمادین از زبان وحی، یکی از تفاسیر مهم نظریه غیر شناختی است که در میان اندیشمندان مسلمان و مسیحی، به ویژه عرفای مسلمان و مسیحی سابقه طولانی دارد.

تفاسیر نمادین و سمبلیک از آموزه‌های وحیانی همواره امری مرسوم و شایع بوده است ولی در چند دهه اخیر به این زبان در کتب مقدس مخصوصاً قرآن توجه خاصی شده است، به طور مثال بسیاری از متفکران مسیحی داستان طوفان حضرت نوح علیه السلام را نه به عنوان گزارش واقعی تاریخی، بلکه به عنوان طریقه‌ای نمادین جهت ارائه نکاتی که به لحاظ دینی مهم هستند، تلقی نموده‌اند. مثلاً این که خداوند افراد گناهکار را عذاب خواهد کرد، ولی در شرایط خاصی از خود لطف و رحمت نشان خواهد داد. بر اساس نظریه زبان نمادین، هنگامی که گفته می‌شود: «خداوند چوپان من است» مسلماً معنای حقیقی و ظاهری آن مراد نیست و خداوند نمی‌تواند به معنای تحت‌اللفظی، یک چوپان باشد. همچنین وقتی گفته می‌شود: «خداوند صخره است» منظور معنای حقیقی آن نیست، در اینجا چوپان به عنوان سمبل مشیت الهی و مال‌اندیشی عمل می‌کند و صخره، سمبلی است از نقش خداوند به عنوان محافظ و پشتیبان در لحظات سخت زندگی. لیکن ویژگی زبانی در

میان دانشمندان، بسیار مورد توجه قرار گرفته، برخی نظیر تیلیش معتقد می‌شود که تمام متون مقدس را باید به زبان سمبلیک تفسیر کرد ولی در میان دانشمندان مسلمان کمتر کسی یافت می‌شود که به سمبلیک بودن تمام آیات قرآن اعتقاد داشته باشد. از این هدف نگارنده از این نوشتار، تبیین یکی از نظریات درباره‌ی زبان قرآن به نام زبان سمبلیک می‌باشد که نگارنده سعی داشته که نظرات دو گروه مخالف و موافق به وجود زبان سمبلیک در قرآن را گردآوری و مورد بررسی قرار گیرد و همچنین در فصل آخر سعی بر آن داشته که تفاسیر سمبلیک که از آیات ارائه شده است مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

فصل اول

طرح مسئله و مفاهیم نظری

بیان مسأله:

فهم کتاب الهی می‌طلبد که زبان آن را بشناسیم، درباره زبان قرآن اختلاف نظر وجود دارد، زبان قرآن را می‌توان به زبان علمی و زبان ادبی و زبان سمبلیک و عرفی تقسیم بندی کرد. زبان سمبلیک آن است که در افاده‌ی مقصودی از حکایتی تشبیه آمیز که وقوع آن محال است، استفاده شود یا آن حکایت به صورت رمز و نماد ارائه گردد. نظر اندیشمندان در حقیقی بودن یا سمبلیک بودن زبان قرآن، متفاوت است، گروهی سمبلیک بودن زبان قرآن را پذیرفته‌اند و آیاتی از قبیل آیه الست، آیات مربوط به گفتگوی خداوند و فرشتگان در زمینه خلقت انسان، آیات مربوط به گفتگوی حضرت سلیمان با مورچگان را سمبلیک دانسته‌اند. در حالی که گروهی دیگر، کلام و بیان قرآن را واقعیت محض می‌دانند. این پایان نامه به بررسی و نقد نظرات جمع دیگر درباره زبان سمبلیک قرآن می‌پردازد.

پیشینه‌ی علمی:

هر چند در تاریخ پژوهش‌های قرآنی، اثر مستقلی با نگرش فوق تدوین و نگارش نشده است، برخی از مباحث مربوط به آن در کتاب‌ها و مقالاتی بیان شده است که می‌تواند به عنوان ادبیات تحقیق استفاده شود:

۱- تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم قرآن، محمد باقر سعیدی روشن، پژوهش‌کده فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ۱۳۸۳

- ۲- مقاله دیدگاه مفسران در حقیقی یا تخیلی بودن داستانهای قرآن، غروی نائینی، مجله مدرس علوم انسانی، پاییز، ۱۳۸۰، شماره ۲۰
- ۳- قرآن و صدرالمتهلین، پروین پیروانی، مجله بینات، پاییز ۱۳۸۵، شماره ۵۱
- ۴- تاملی بر نظریه سمبلیک دیدن خلقت انسان، محمد منصور نژاد، جوان پویا، چ ۱، ۱۳۸۵

پرسش‌های تحقیق:

- ۱- زبان وحیانی چه مشخصه‌هایی دارد؟
- ۲- مبانی قائلین به سمبلیک بودن زبان قرآن چیست؟
- ۳- دلایل قائلین به وجود زبان سمبلیک در قرآن چیست؟

فرضیه‌ها:

- ۱- زبان قرآن حقیقی برای مخاطبان و غیر مشافهان است.
- ۲- فقدان حقیقت، حکایت از زبان غیر ذی العقول، نمادگرایی، غیر قابل فهم بودن برای همه افراد، چند معنایی بود، استناد به قرینه صارفه
- ۳- تعارض علم با دین، تفهیم مطالب غامض، رایج بودن زبان سمبلیک در تمام زبان‌ها و ادیان، ناتوانی عقل در درک ماوراء طبیعت، عدم شعور جا مدات، تاثیر بیشتر زبان سمبلیک، تاثیر زبان سمبلیک در جاودانگی دین، سبک بیان داستان‌های قرآن

هدف و ضرورت:

فهم کتاب الهی می‌طلبد که زبان آن را بشناسیم، از این رو نظرات بسیاری در مورد زبان قرآن از سوی دانشمندان بیان شده است، که یکی از این نظرات که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیار قرار گرفته، زبان سمبلیک (نمادین) است، از این رو نقد و بررسی این نظریه بسیار حائز اهمیت است.

فواید علمی و کاربردی تحقیق:

- فهم بهتر قرآن در شناخت زبان قرآن.
- پی‌بردن به وجود یا عدم وجود زبان سمبلیک در قرآن

کارکرد زبان قرآن:

واژه «زبان» کاربرد‌های متفاوتی دارد و با توجه به نوع و کاربرد و ذهنیت‌گوینده معانی ویژه‌ای پیدا

می‌کند، از این رو برای روشن شدن منظور از زبان در این نوشتار، بحثی مبسوط در این باره لازم می‌آید. هنگامی که واژه «زبان» به کار می‌رود یکی از مفاهیم زیر اراده می‌شود:

۱- واژه و لهجه:

مانند زبان عربی، فارسی، انگلیسی و ... در این معنا هرگاه کسی با یکی از این زبان‌ها سخن بگوید، اگر بر مبنای قواعد ادبی، صرف، نحو، بلاغت و ... باشد، زبان او صحیح و گرنه به همان میزان دارای اشتباه و غلط دستوری است، زبان قرآن به این معنا زبان عربی است و مطابق قواعد صرف و نحو است و بلیغ است؛ و مانند ساختار زبان عرب و البته هر زبان دیگر.

زبان قرآن به معنای عربی بودنش در آیات مختلفی اشاره شده است:

وَ إِنَّهُ لَنَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ (*) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (*) عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (*) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (شعراء/ ۱۹۲-۱۹۵)

مسئلاً این (قرآن) از سوی پروردگار جهانیان نازل شده است! (*) روح الامین آن را نازل کرده است ... (*) بر قلب (پاک) تو، تا از اندازندگان باشی! (*) آن را به زبان عربی آشکار (نازل کرد)! در آیه ذیل نیز به عربی بودن قرآن اشاره شده است:

وَ مِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَ بَشْرًا لِمُحْسِنِينَ (الاحقاف/ ۱۲)

و پیش از آن، کتاب موسی که پیشوا و رحمت بود (نشانه‌های آن را بیان کرده)، و این کتاب هماهنگ با نشانه‌های تورات است در حالی که به زبان عربی و فصیح و گویاست، تا ظالمان را بیم دهد و برای نیکوکاران بشارتی باشد!

در کتب تفسیر و لغت، لسان به معنای لغت و لهجه مطرح شده است. بنابراین این آیات نشان دهنده این است که قرآن به زبان و لغت فصیح و بلیغ عرب نازل شده است، البته قرآن با این زبان برای همه مردم جهان قابل فهم نیست و به هر زبان دیگری بود نیز به همین گونه بود، زیرا ما یک زبان جهانی که همه مردم دنیا

^۱ - قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، ج ۶، ص ۱۸۸، دارالکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۷۱- ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی، ج ۴، ص ۱۳۶، انتشارات فرا هان- المفردات فی غریب القرآن، راغب اصفهانی حسین بن محمد ص- ۴۰، دارالعلم الدار الشامیة، بیروت

آن را بفهمند، نداریم، ولي اين مانع از آن نخواهد شد که ساير مردم جهان از ترجمه‌هاي آن بهره‌گیرند و يا از آن بالاتر با آشنایي تدريجي به اين زبان، خود آیات را لمس کنند و مفاهيم و حي را از درون همین الفاظ درک نمایند.^۱

۲- زبان به معنای سبک و طرز سخن:
گاه منظور از زبان، اسلوب محاوره و مستوای القای کلام و افق برگزیدن مفاهيم نسبت به سطح شنوندگان و خوانندگان است. این معنا نزدیک به آن چیزی است، که در محاورات عمومي گفته می‌شود: چون که با کودک سر و کارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد.

زبان کودکی، از نظر واژه و ادب، قاعده مشخصی ندارد، بلکه منظور سطح درک مخاطبان با شنوندگان است. از این رو، نوعی سخن گفتن است که رعایت حال مخاطب و شرایط درک و فهم آنان شده باشد.^۲

حضرت علامه طباطبایي(ره) در تفسیر آیه «وَلَقَدْ يَسْرُنَا الْقُرْآنَ لِیذْکُرَ فَهْلٌ مِنْ مَّذْکُرٍ» (قمر/۱۷) می‌فرماید: کلمه یسرنا متکلم مع الغیر است و مصدر آن تیسیر است که به معنای آسان کردن قرآن برای ذکر این است که آن را طوری القاء کند و به عباراتی درآورد که فهم مقاصدش برای عامه و خاصه، برای فهم‌های ساده و عمیق آسان باشد. هر یک قدر فهم خود چیزی از آن بفهمد.^۳

همچنین آیت الله مکارم شیرازی در ذیل آیه «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ کَانَ مِنْ عِنْدِ غَیْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِیهِ اِخْتِلَافًا کَثِیرًا» (نساء/۸۲) بعد از ذکر چند نکته می‌فرماید: «قرآن بر خلاف آنچه بعضی می‌پندارند، برای همه قابل فهم و درک است زیرا اگر قابل فهم و درک نبود، دستور به تدبر در آن داده نمی‌شد.^۴

در این راستا نیز پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم»^۵ «ما انبیاء مامور شدیم که با مردم مطابق عقلشان سخن بگوییم.»

^۱ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۹، ص ۳۰۰

^۲ - مشکل ما در فهم قرآن، آیت الله موسوی اردبیلی، نامه مفید، شماره ۸، دوره دوم، ص ۱۰، سال ۷۵

^۳ - المیزان فی تفسیر القرآن، محمد حسین طباطبایي، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۹، ص ۱۱۳، دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴

^۴ - تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، ج ۴، ص ۲۸

^۵ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۱، ص ۸۵، موسسه الوفاء، چاپ ۲، بیروت، ۱۴۰۳ - آملی، شیخ طوسی، ص ۴۸۱، چاپ اول، دارالثقافه،

به همین جهت اسلام توانسته است که اولاً دین خدا را با همه آن معارفش با زبانی قابل فهم برای عموم بشر عرضه کند و همه خواص، آن هم نه اینکه بعضی را به عوام و بعضی را به خواص عرضه کرده باشد، بلکه خاص و عام را به طور مساوی از آن معارف برخوردار نموده و ثانیاً عقل بشر را به کار انداخته و آن که را که بزرگترین موهبت الهی است، مهمل و بی فایده نگذاشته و ثالثاً طبقات مختلف مردم در مجتمع انسانی را به یکدیگر نزدیک کرده و آن قدر نزدیک کرده که دیگر بیشتر از آن امکان ندارد، نه طبقه ای را از این معارف برخوردار و طبقه ای دیگر را محروم کرده و نه طبقه ای را مقدم و طبقه ای دیگر را موخر کرده است.^۱

۳- نظام بندی سخن متناسب با جهان بینی گوینده: گفتیم سخن باید مطابق درک مخاطب باشد، علاوه بر آن سخن باید با محیط فکری مخاطب رابطه ای معنادار ایجاد کند. گاه منظور از زبان قرآن، یعنی برگزیدن نوعی سخن متناسب با فاهمه و فضای فرهنگی و علمی جوامع و محیط های آنان است که در قالب معین سخن می گویند و از مخاطبان خود توقع دارند، در آن محدوده رابطه برقرار کنند. در این صورت هر واژه ای که گوینده به کار می برد، در پیوند با کلمات دیگر و اهداف اوست و باید آن واژه را متناسب با آن مجموعه، معنا کرد و گرنه مقصود گوینده به دست نمی آید.

این نوع زبان، نه تنها وسیله سخن، بلکه ابزار یک نوع نگرش درباره جهان، طبیعت و انسان می باشد و این همان چیزی است که امروزه (معنا شناسی) نامیده می شود.

ایزوتسو در تعریف آن می نویسد: «تحقیق و مطالعه ای تحلیلی درباره کلمات کلیدی زبان، به منظور شناسایی جهان بینی قومی»
در این نظر، زبان ها به اقسام مختلفی تقسیم شده اند، مانند: زبان عرفی، زبان ادبی، زبان علمی و فلسفی و حقوقی و تاریخی، زبان نمادین و سمبلیک.

۴- شیوه سخن گفتن:

منظور از زبان، شناسایی و روش تفهیم و تفاهم از راه به دست آوردن شیوه سخن گفتن است. به این معنا که فرد در پی شناخت معانی قرآن است. ولی نمی داند برای رسیدن به مقصود، ترجمه الفاظ و عبارات و رعایت

قم، ۱۴۱۴- کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تحقیق: علی اکبر غفاری، ج ۸، ص ۲۶۸، دارالکتب اسلامیة، ج ۲، ۱۳۴۸، بی جا
۱ - المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی، ج ۱، ص ۴۳۵